**پیشرو (هنر)**

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

(تغییرمسیر از [آوانگارد](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A2%D9%88%D8%A7%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF&redirect=no))

[](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Duchamp_Fountaine.jpg?uselang=fa)

[مارسل دوشان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D9%84_%D8%AF%D9%88%D8%B4%D8%A7%D9%86)، [چشمه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%D8%B4%D9%85%D9%87_%28%D8%AF%D9%88%D8%B4%D8%A7%D9%86%29)

**پیشرو** یا **آوانگارد**[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-1) (به [فرانسوی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%B3%D9%88%DB%8C): avant-garde) به هنرمندان، نویسندگان و شاعرانی گفته می‌شود که در یک دوره معین، پیشروترین اسلوب‌ها یا مضامین را در آثارشان استفاده کرده‌اند و اغلب بانی جنبش‌های نو بوده‌اند.[[۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-2)

واژه پیشرو به منظور اشاره به افراد یا کارهایی که ماهیتی تجربی یا نوآورانه دارند استفاده می‌شود به ویژه در حیطه [هنر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D9%86%D8%B1)، [فرهنگ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF) و [سیاست](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA).

پیشرو بودن بیانگر گرایشی است که هنجارهای پذیرفته شده در اجتماع را عموماً در حیطه فرهنگی به چالش می‌کشد. مفهوم وجود آوانگارد از نظر برخی، یکی از ویژگی‌های اصلی «شخصیت» نوگرایی به شمار می‌آید، که جدای از [پست مدرنیسم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B3%D8%AA_%D9%85%D8%AF%D8%B1%D9%86%DB%8C%D8%B3%D9%85) است. بسیاری از هنرمندان، در دوران مدرن و همچنین در عصر حاضر، خود را مرتبط با جنبش پیشرو دانسته‌اند: از جنبش [دادا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D8%A7) از طریق [موقعیت‌گرایان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D8%A8%DB%8C%D9%86%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84) تا هنرمندان پسامدرنی همچون شاعران زبان.[[۳]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-3)

## تعریف

این اصطلاح در اصل برای توصیف بخشی از ارتش که در حال پیشروی در میدان نبرد بود، استفاده می‌شد، و امروزه به هر گروهی -به ویژه هنرمندان- گفته می‌شود که خود را نوآور و جلوتر از اکثریت مردم می‌داند.

این اصطلاح همچنین دلالت بر ترویج اصلاحات اجتماعی [رادیکال](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%A7%D8%AF%DB%8C%DA%A9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85) دارد. در طول زمان، اصطلاح آوانگارد با جنبش‌های مربوط به نظریه «هنر برای هنر» گره خورد، که اولویتشان در درجه اول گسترش مرزهای تجربه [زیبایی شناختی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%DB%8C%D8%A8%D8%A7%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C) بود، تا اصلاحات گسترده اجتماعی.

## نظریه‌پردازی آوانگاردیسم

نویسندگان متعددی در تلاش برای تعیین شاخصه‌های فعالیت آوانگارد با موفقیتی محدود روبرو شدند. یکی از مفیدترین و مورد احترام‌ترین تحلیل‌ها از آوانگاردیسم به مثابه پدیده‌ای فرهنگی متعلق به رساله نویس [ایتالیایی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7)، [رناتو پوجولی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%B1%D9%86%D8%A7%D8%AA%D9%88_%D9%BE%D9%88%D8%AC%D9%88%D9%84%DB%8C&action=edit&redlink=1)\*[[۴]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-4) است که در کتابش به نام [تئوری آوانگارد](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AA%D8%A6%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%A2%D9%88%D8%A7%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF&action=edit&redlink=1)\*[[۵]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-5) در سال ۱۹۶۲ مطرح شده است. پس از بررسی وجوه تاریخی، اجتماعی، روانشناختی و فلسفی آوانگاردیسم، پوجیولی گسترهٔ تعمیم خود را فراتر از نمونه‌های منحصر به فرد هنر، شعر و موسیقی قرار می‌دهد تا نشان دهد که آوانگاردها را می‌توان گروهی با آرمان‌ها و ارزش‌هایی مشترک دانست که تجلی آن [سبک زندگی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A8%DA%A9_%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C) عصیان گرایانه‌ای است که انتخاب کرده‌اند، و اینکه فرهنگ آوانگارد را می‌توان شاخه‌ای از سبک زندگی [بوهمین](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%88%D9%87%D9%85%DB%8C%D9%86)\*[[۶]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%88_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%29#cite_note-6) به شمار آورد.

**ساختارگرایی** یکی از اندیش‌راه‌های رایج در [علوم اجتماعی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85_%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C) است. بر پایه این طرز فکر، تعدادی [ساختار](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1) ناپیدا و ناملموس، چارچوب اصلی پدیده‌های ظاهری اجتماع را تشکیل می‌دهند. روش ساختارگرایی در نیمه دوم سدهٔ بیستم از سوی تحلیلگران زبان، فرهنگ، فلسفهٔ ریاضی و جامعه به گونه‌ای گسترده بکار برده می‌شد. اندیشه‌های [فردینان دو سوسور](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%AF%D9%88_%D8%B3%D9%88%D8%B3%D9%88%D8%B1) را می‌توان آغازگاه این مکتب دانست. هرچند پس از وی ساختارگرایی تنها به [زبان‌شناسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C) محدود نشد و در راه‌های گوناگونی بکار گرفته شد و مانند دیگر جنبش‌های فرهنگی، اثرگذاری و بالندگی آن بسیار پیچیده‌است. با این‌حال، ساختارگرایی عموماً به اندیشهٔ فرانسویِ دههٔ ۱۹۶۰ اطلاق می‌شود و با نام متفکرانی چون [کلود لوی-استروس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D9%84%D9%88%D8%AF_%D9%84%D9%88%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D9%88%D8%B3)، [رولان بارت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D9%84%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%AA)، [میشل فوکو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%DB%8C%D8%B4%D9%84_%D9%81%D9%88%DA%A9%D9%88)، [ژرار ژنت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%98%D8%B1%D8%A7%D8%B1_%DA%98%D9%86%D8%AA)، [لوئی آلتوسر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%D9%88%D8%A6%DB%8C_%D8%A2%D9%84%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B1)، [ژاک لاکان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%98%D8%A7%DA%A9_%D9%84%D8%A7%DA%A9%D8%A7%D9%86)، آلژیر داس گره‌ماس، و [ژان پیاژه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%98%D8%A7%D9%86_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%DA%98%D9%87) آمیخته شده است. ساختارگراییِ فرانسوی به رغم آن‌که با [فرمالیسم روسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85_%D8%B1%D9%88%D8%B3%DB%8C) و شاخه‌های فرعی آن نظیر [مکتب پراگ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%DA%A9%D8%AA%D8%A8_%D9%BE%D8%B1%D8%A7%DA%AF) و ساختارگراییِ لهستانی پیوند تنگاتنگی دارد، به واسطهٔ تنوع خود و توانِ بینارشته‌ای‌اش، از آن‌ها متمایز است. ساختارگرایی به منزلهٔ مرحله‌ای فراسوی انسان‌گرایی و [پدیدارشناسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C)، به بررسی روابط درونی‌ای می‌پردازد که زبان و نیز تمامیِ نظام‌های نمادین یا گفتمانی را می‌سازند.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C#cite_note-1)

**سیر تاریخی**

ساختارگرایی، نخست با مطالعه ساختار زبان آغاز شد. اما بعداً توسعه یافت و با در برگرفتن موضوعات [انسان شناختی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86_%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C) و اسطوره‌ای، رشد و گسترش یافت. ساختارگرایان به این نتیجه دست یافتند که زبان یک ساختمان اجتماعی است؛ و هر فرهنگ، برای رسیدن به ساختارهای معنایی، روایت‌ها و یا متن‌ها را وسیع و متحول می‌کند؛ و بدین شیوه، مردم می‌توانند تجارب خود را سامان دهند و معنا ببخشند.[[۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C#cite_note-.D8.B2.D8.A8.D8.B2-2) ساختارگراییِ قرن بیستم به معنای دقیق آن با مجموعه‌ای از درس‌گفتارهای زبان‌شناس سوییسی، فردینان دوسوسور، در دانشگاه ژنو آغاز شد؛ درس‌ گفتارهایی که پس از مرگ او، بر اساس یادداشت‌هایی که از آن‌ها تهیه شده بود، با عنوان دورهٔ زبان‌شناسی عمومی (۱۹۱۶) منتشر شد.[[](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C#cite_note-3)

**دیوارنگاری** یا **گرافیتی** به تصویر کردن نقش‌ها، اشکال، حرف‌ها، نشانه‌ها، نمادها، الگوها و کلمه‌ها بر روی دیوارها و یا هر مکان عمومی‌ای که بتوان از آن به عنوان مکانی برای نوشتن، نقاشی، کنده‌کاری و خط‌کشی کردن استفاده کرد، گفته می‌شود. دیوارنگاشته‌ها، هرگونه علامت‌گذاری‌ای به حساب می‌آیند که می‌توانند در شکل‌های نوشتن ساده حرف‌ها تا نقاشی‌های استادانه ظاهر شوند. دیوار نوشته‌ها از دوران باستان به عنوان مثال [یونان باستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D9%88%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، امپراطوری‌های [روم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D9%85_%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [چین](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%DB%8C%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) و [ایران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) وجود داشته‌اند.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C#cite_note-en.wikipedia.org-1)

در دوران مدرن نگارگری به ویژه نگارگری با افشانه یا رنگ پاش و قلم موها بیشترین کاربرد را در ترسیم دیوارنگاشته‌ها دارند. در بیشتر کشورها نقاشی کردن و یا کشیدن هر علامت و تصویری بر روی دیوارها و یا املاک متعلق به افراد بدون جلب رضایت آنان کاری غیرمجاز و جرمی دارای پیگرد قانونی به شمار می‌آید. برخی از اوقات، این کار دربردارنده پیام‌های سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی و ژانری کامل از بیان هنری مبتنی بر سبک نقاشی روی دیوار با رنگ پاش است. برای برخی از افراد شاید کار هنری فقط هنگامی از ارزش برخوردار است که در یک نگارخانه یا نمایشگاه هنری در معرض دید همگان قرار گیرد و برای کسانی دیگر شاید دیوار نگاشته‌ها گونه‌ای از ابراز احساسات قانون گریزانه به شمار آید که عامل و اقدام کننده به آن، حالتی اعتراض آمیز به خود گرفته‌است. دیوارنگاری در سال‌های اخیر در قلمرو فرهنگ عامیانه تحول یافته و در شکل‌های موسیقی زیرزمینی هیپ هاپ و B-boying یاbreakdancing (رقص سرعتی و پرسر وصدا) و سبک زندگی ای که از دید همگانی پنهان است، پدیدار شده‌است.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C#cite_note-en.wikipedia.org-1)

دیوارنگاری‌ها می‌توانند به عنوان علامتی از کارهای تبه‌کاران به شمار آیند که محدوده‌های نفوذ آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند. همچنین باید گفته شود که اختلاف نظر و مشاجره پیرامون دیوارنگاری میان مقامات حقوقی و قانونگذار و نیز مسئولان شهری از یک سو با کسانی که دیوارنگاری را شاید گونه‌ای از ابراز احساسات شهروندان تلقی می‌کنند، ادامه دارد. با این وجود گونه‌ها و سبک‌های متفاوتی از دیوارنگاری‌ها با سرعت زیاد درحال تبدیل شدن به شکلی ویژه از هنر هستند درحالی که بحث و گفتگو دربارهٔ ارزش آنها میان هواداران و مخالفانشان ادامه دارد.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C#cite_note-en.wikipedia.org-1)

[](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Oham.JPG?uselang=fa)

گرافیتی با حروف فارسی اثر [اوهام](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D9%88%D9%87%D8%A7%D9%85_%28%D9%87%D9%86%D8%B1%D9%85%D9%86%D8%AF_%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D8%AA%DB%8C%29&action=edit&redlink=1)

دیوارنگاری بخشی از [هنرهای خیابانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D9%86%D8%B1_%D8%AE%DB%8C%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C) ونیز از عناصر اصلی فرهنگ [هیپ هاپ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%DB%8C%D9%BE_%D9%87%D8%A7%D9%BE) بشمار می‌آید. از جمله خطوط نوشتاری برای شعار و تصویر سازی برای زیباسازی شهری یا تبلیغات فرهنگی و بطور کلی رسم هر گونه اثر هنری شامل بر متن، تصویر و برجسته نگاری که توسط طراح صورت پذیرفته باشد. منظور از هنر خیابانی آن بخش از گرافیک است که در کوچه و خیابان و سطح شهر با آن برخورد می‌کنیم. این هنر تاریخچه‌ای بسیار کهن دارد و ریشه در سنگ‌نبشته‌های تاریخی [غارها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%BA%D8%A7%D8%B1) و کتیبه‌های باستانی [نقاشی‌های](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%82%D8%A7%D8%B4%DB%8C) دیواری در ابعاد گوناگون دیده‌اید که از همین دسته‌اند. در سده بیستم و کمابیش هم‌زمان با [جنگ جهانی دوم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C_%D8%AF%D9%88%D9%85)، مشاهده درج نام و نشان گروه‌ها بر روی دیوارها تبدیل به امری عادی شد. در برخی مواقع این دیوارنگاری‌ها بسیار با دقت و هنرمندانه اجرا می‌شوند و سبک‌های متعددی به خود می‌گیرند. برخی از این آثار بار معنایی بیش‌تری را به دوش می‌کشند که ممکن است حاوی یک پیام اجتماعی یا سیاسی باشد که حتی با استفاده از افشانه‌های رنگی بر روی دیوارها، ساختمانها و قطارها رسم می‌شوند. شاید شما هم تصاویری از [دیوار برلین](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B1_%D8%A8%D8%B1%D9%84%DB%8C%D9%86) را دیده باشید که لبریز از این آثار بود یا نگاره‌های دیگر اینترنتی را که دست به دست یا بهتر بگویم ایمیل به ایمیل می‌چرخند که حاوی تصاویر نقاشی‌شده سه بعدی بر کف خیابان‌ها هستند. این‌ها تماماً هنرهای خیابانی هستند.[[*نیازمند منبع*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%DA%A9%DB%8C%E2%80%8C%D9%BE%D8%AF%DB%8C%D8%A7:%D9%86%DB%8C%D8%A7%D8%B2%D9%85%D9%86%D8%AF_%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B9)]